

پیش‌خواب

نظری بر زندگی «ناصر مقدم» در قالب داستانی مستند

آخرین دستاویز ساواک!

■ **شاهد توحیدی**



تیمسار ناصر مقدم آخرین رئیس ساواک در دوران حاکمیت پهلوی

نشر یافته، به زندگی سیاسی ناصر مقدم در آیینۀ داستان پرداخته است. ناشر در مقدمه خویش بر این کتاب آورده است: «ساختار و قالب داستان، نیکوترین چارچوب و ظرف است برای ماندگاری و ثبت واقعه‌ها و لحظات مهم و جریان‌ساز؛ به سبب اینکه نقش و کارکرد آن از حیث تأثیر و انگیزش بسیار چشمگیر است و در کلام الهی نیز از این شیوه برای انتقال مفاهیم به خوبی استفاده شده است. بسیاری از حکمت‌ها و اندرزهای اخلاقی، تعلیمی، اجتماعی و تاریخی در کالبد داستانی بازگو شده است تا مایه عبرت و پندپذیری دیگران فراهم گردد و آنان را به تدبر و تفکر وادارد. از آنجا که هر نسلی برای خود اصلی دارد و برپایه آن می‌اندیشد و زندگی می‌کند و برای رسیدن به آن تلاش می‌کند، پس خواست‌ها و نیازهای هر عنصر نیز به فراخور ذهنیت اهل روزگار دچار تحول و دگرگونی می‌شود. شاخک‌های حسّی نسلی با نسل دیگر متفاوت است. بنابراین آمل آنان نیز از گونه‌ای دیگر خواهد بود. اثر پیش‌رو مان تاریخی کوتاهی است که نویسنده بر اساس شخصیت و اقدامات ناصر مقدم آخرین رئیس ساواک نوشته است. نویسنده در این اثر قصد دارد خواننده را با ساخت قدرت در دوره پهلوی، اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران، نوع تعامل ساواک با شاه و شخصیت دست‌آموز ناصر مقدم آشنا سازد.»

حبیب‌الله مهرجو نویسنده این اثر، لحظه انتصاب مقدم به ریاست ساواک را این‌گونه باز نگاشته است:



تیمسار ناصر مقدم آخرین رئیس ساواک

«تونس‌ت تا روز آخر صبر کنه. اون سال‌ها بود که منو می‌شناخت. بنابراین چند روز زودتر بهم تلفن کرد. «منصور رفیع‌زاده» رو می‌گم. از تلفن او بسیار خوشحال شدم، چون معمولاً خبرهای خوشی برابرم داشت. مدام با او حرف می‌زدم تا بفهمم چه اتفاقی افتاده. من از اتفاقاتی که افتاده بود هیچی نمی‌دونستم.

–الوارلشکر مقدم! خبر خوبی برایتان دارم.

–سلام منصور! خبری شده؟

–شمارتیس شدید.

–جدا! وای خدای من، چه کسی اینن رو گفته؟ سیا؟

–نه! تیمسار نصیری.

–هوم! چه عجب.

–گوش کنید قربان! نصیری حسابی سفارش شما را به‌علیحضرت کرده، لطفاً با او خوب باشید.

–کی کارم را شروع می‌کنم؟

–چند روز دیگه، ولی به کسی چیزی نگو.

–نه! نمی‌گویم، نصیری گفت که سفارش مرا کرده؟

–بله!

–باورت نمی‌شود منصور، او چاره دیگری نداشت. غیر از من آنها چه کسی را دارند؟ کسی از این جریان خبر دارد؟

–بله! سیا.

–کی فهمیدند؟

–بعدا بهتان می‌گویم.

–حالا فهمیدم! چند ماهی بود که کسی از سیا سراغ من نمی‌آمد اما طسی چند روز گذشته، آدم‌های زیادی به دیدن آمدن.

–وقتی شما را دیدم، راجع با آن باهم حرف می‌زنیم، فقط یادتان باشد به کسی در این رابطه چیزی نگوئید.

–بچه که نیستم اما از همین حالا می‌تونید روی تغییر اوضاع کشور حساب کنید!

آخر به آرزوم رسیدم! خوش خدمتی‌هایی زیادی واسه رسیدن به این مقام کرده بودم. می‌دونستم که یه روزی رئیس ساواک خواهم شد. من عاشق قدرت بودم و فقط این مقام بود که می‌تونست منو به این آرزوم برسونه. ولی حیف که ریاستم زیاد دوامی نداشت و فقط هشت ماه طول کشید.»

■ **نیم‌احمدپور**

اگر چه پهلوی اول در بدو ظهور خویش از طریق تهدید و تطمیع نمایندگان، از نهاد مجلس شورای ملی بهره فراوان جست اما پس از تکیه زدن به تخت سلطنت مطلقه، تحدید بد جایگاه پارلمان را وجهه همت خویش قرار داد. مقالی که پیش روی شماست می‌کوشد تا رفتار حکومت رضاخان در انتخابات دوره هفتم تا سیزدهم مجلس شورای را مورد بازخوانی قرار دهد. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

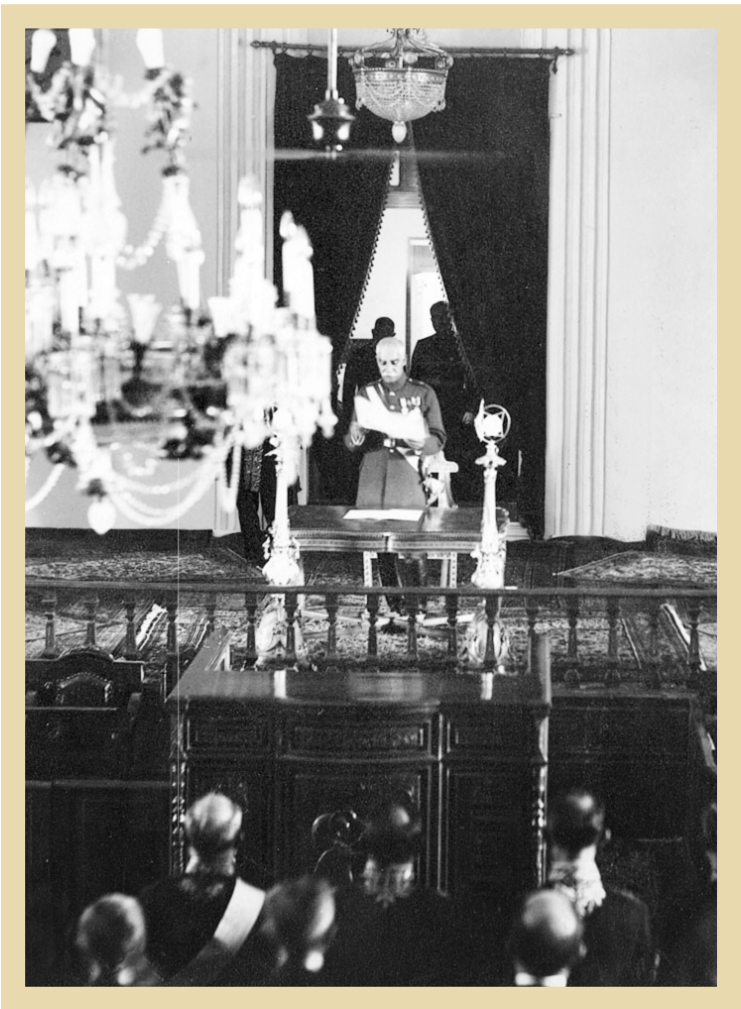
■ ■ ■

■ **مجالسی با لیست‌های از پیش تعیین شده!**

پس از تثبیت حاکمیت رضاخان به عنوان سلطانی مطلق‌العنان، اولین آثار این فرایند در نوع انتخاب و ترکیب نمایندگان خود را نشان داد. به واقع ترکیب مجلس دوره هفتم تا سیزدهم، آیینۀ تمام‌نمای نگاه حکومت پهلوی به دخالت مردم در سرنوشت خویش به‌شمار می‌روند. در مجالس هفتم تا سیزدهم شورای ملی کسی جز وکلای فرمانبردار رضاخان حضور نداشت و مشارکت سیاسی و فعالیت‌های پارلمانی مبتنی بر مشروطیت یکسره به پایان رسید، رضاخان به‌ر سه قوه استیلای کامل پیدا کرد و برای انتخابات مجالس، لیست‌هایی از قبیل تهیه شدند. دولت برای حصول اطمینان از فرمانبرداری کاندیداهای مورد نظرش، از راهکارهای گوناگونی استفاده و اغلب کاندیدها را از بین ملاکین، بازرگانان و صاحبان مشاغل آزادی چون پزشکان محلی انتخاب می‌کرد و هرگز به سراغ جوانان تحصیل‌کرده و تکنوکرات‌ها برای نمایندگی مجلس نمی‌رفت، بلکه آنها را در بخش‌های دولتی به کار می‌گرفت. به این ترتیب، هم خود را معرفی کنند، وقتی همه اینها لیست‌های خود را به‌طور جداگانه به دربار می‌فرستادند، رضاخان بر مبنای آنها، لیست افراد مورد اعتماد را تهیه و محرمانه به وزارت کشور ابلاغ می‌کرد. نمایندگان کاملاً معلوم بود.

■ **نحوه انتخاب کاندیدها در آستانه انتخابات**

شیوه انتخاب کاندیدها به این شکل بود که ابتدا از فرماندار سؤالی می‌شد که در حوزه فرمانداری او اشخاص موردنظر چه کسانی هستند. سپس از فرمانده لشکر یا سازمان‌های مستقر در محل و شهربانی خواسته می‌شد افراد معتمد و مورد نظر خود را معرفی کنند. وقتی همه اینها لیست‌های خود را به‌طور جداگانه به دربار می‌فرستادند، رضاخان بر مبنای آنها، لیست افراد مورد اعتماد را تهیه و محرمانه به وزارت کشور ابلاغ می‌کرد. نمایندگان در صورتی که از طرف عمال آنها مخارجی در قسمت



رضاخان در مراسم افتتاحیه مجلس هفدهم، او را در حال مجلس را «موله» نامیدند بود



رضاخان بر هر سه قوه استیلای کامل پیدا کرد و برای انتخابات مجالس، لیست‌هایی از قبل تهیه شدند. دولت برای حصول اطمینان از فرمانبرداری کاندیدهای مورد نظرش، از راهکارهای گوناگونی استفاده و اغلب کاندیدها را از بین ملاکین، بازرگانان و صاحبان مشاغل آزادی چون پزشکان محلی انتخاب می‌کرد و هرگز به سراغ جوانان تحصیل‌کرده و تکنوکرات‌ها برای نمایندگی مجلس نمی‌رفت، بلکه آنها را در بخش‌های دولتی به کار می‌گرفت

گذری بر ماهیت و ساز و کار انتخابات مجلس شورای ملی از دوره هفتم تا سیزدهم

آغازی بر پایان مشروطیت!

مجلس بر اساس این لیست‌ها انتخاب و راهی مجلس می‌شدند. اگر گاهی هم شریایطی پیش می‌آمد که کاندیدای مورد نظر دولت از کاندیدای رقیب رأی

کمتری می‌آورد، تعرفه‌های انتخاباتی میان کودکان و گداها تقسیم و از توزیع تعرفه‌ها در میان اشخاص واجد صلاحیت خودداری می‌شد و گاهی هم هواداران نماینده رقیب را با قوه مجریه پراکنده می‌کردند.

■ **بخشنامه تیمور تاش به استان‌های مختلف در آستانه انتخابات مجلس هشتم**

آشکار ترین مدرک مداخله دولت در انتخابات، بخشنامه محرمانه تیمورتاش، وزیر دربار و نفر دوم قدرتمند مملکت بعد از رضاخان، به استان‌های مختلف درباره نحوه برگزاری انتخابات دوره هشتم مجلس شورای ملی است. این بخشنامه که باید بی‌پروا و بی‌ملاحظه اجرا می‌شد، در ۲۳ خرداد ۱۳۰۹ به سراسر کشور ارسال شد. از آنجا که این سند ارزش تاریخی زیادی دارد، عیناً نقل می‌شود:

«متحدالمآل / احکام ایالت شمال و شرق و غرب و جنوب

در تعقیب دستور صادره از مقام ریاست وزرا و وزارت جلیله داخله، طبق اوامر ملوکانه در قسمت انتخابات دوره هشتم انتخاب نماینده جهت مجلس شورای ملی، لزوماً اعلام می‌دارد طبق صورتی که از ارسال گردیده است، باید جدیت لازم‌به عمل آید که این اشخاص جهت مجلس انتخاب شوند. اعلی حضرت اقدس شهر یاری علاقه‌مند هستند که باید اشخاص مفصله المندرجه در صورت لف، باید به هر قیمتی باشد انتخاب شوند. در صورتی که اندک تعللی در اجرای اوامر صادره بشود، مقصر بدیهی است مورد بی‌میلی اعلی حضرت واقع خواهد شد. با رعایت مواد مشروحه ذیل، ر اپرت جلسات خودتان را به وزارت دربار ارسال دارید.

۱- در صورتی که جهت انجام این مأموریت را ندارید، از تاریخ ملاحظه حکم تا ۴۸ ساعت از خدمت استعفا دهید.

۲- اشخاصی که باعث نکت و بعلاوه درصدد هستند که نماینده به میل خودشان انتخاب کنند، از عملیات آنها جلوگیری به عمل آورید. در صورتی که به مخالفت خودشان باقی هستند فوراً آنها را تبعید نمایید.

۳- مداخله روس‌ها و مأموران آنها و به علاوه بستگان آنها در امر انتخابات جلوگیری به‌طور محرمانه شود. در صورتی که از طرف عمال آنها مخارجی در قسمت

انتخابات بشود، ر اپرت دهید تا دستور کلی در این موضوع داده بشود. در کلیه امور این‌نهایت مراقبت را داشته باشید.

۴- اداره نظمیه در این قسمت کاملاً مطیع شما خواهد بود. مأموران اداره تأمینات هم مواظبت کامل خواهند نمود، ولی باید راپرت‌های مربوطه را به شما داده و دستورکلی دریافت دارند.

۵- طبق اعلان صادره، مجالس را از آغاز بگنارید، ولی آزادی آنها باید طوری باشد که باعث تخریب عملیات و انتظامات محلی نشود. در کلیه مجالس باید مأموران مخفی شما حاضر و ناظر باشند.

۶- در مداخله مأموران و عمال همسایه جنوب، ناظر بوده و راپرت دهید که عملیات آنها چه از چه رویه و مطابق چه منظوری است.

۷- در کلیه مجالس باید فقط مأموران شما به‌طور مخفی حاضر و ناظر عملیات آنها باشند و نیز باید کاندیدای حوزه حکومتی خودتان را فوراً تهیه و ارسال دارید که منظور از اهالی چه اشخاصی می‌باشند.

۸- در کلیه قضایا طبق امر هماهونی باید با مشورت اداره قشونی حوزه حکومتی خودتان اقدام شود [و] با مشورت هم امر انتخابات خاتمه یابد.

۹- در صورتی که اشخاص میل به وکالت داشته باشند، باید آنها را قبلاً نصیحت و بعداً تهدید [کنید]، در صورتی که به جلسات خودشان ادامه دهند، ر اپرت دهید تا تبعید شوند.

۱۰- در صورتی که در صورت‌های ارسال راسال تجدید نظری را تغییرات سیاست و مصالح مملکتی ایجاد شود، بدیهی است تلگرافاً شخص منظور را معرفی خواهیم نمود.

۱۱- ممکن است تغییری در صورت تهیه شود به طوری که در ماده ۱۰ ذکر شده است قبلاً اطلاع داده خواهد شد.

۱۲- نمایندگان شما طبق صورت‌ارسالی باید انتخاب شوند.

۱۳- بدیهیی است در صورتی که کاملاً معلوم شد که موفقیت کامل حاصل نکرده‌اید، البته اقدام دیگری در صندوق آ را خواهد شد، ولی این موضوع بعداً در صورت عدم موفقیت انجام خواهد شد. تیمورتاش»

■ **«انتشار شب‌نامه» راه اعتراض آنان که حق خود را پایمال می‌دیدند!**

مداخله آشکار دولت در انتخابات و تلاش برای انتخاب نمایندگان «مورد اعتماد» از چشم آگاهان سیاسی

پنهان نمی‌ماند. کسانی که شاهد پایمال شدن علنی آرای خود بودند، همواره با توسل به ابزاری چون تحصن، تجمع، انتشار شب‌نامه، نوشتن نامه به وزیر کشور و وزیر دربار و امثال این کارها اعتراضات خود را بیسان می‌کردند. گاهی هم شخصیت‌های بانفوذ و محترم استان‌ها یا وزیر کشور و وزیر دربار مکاتبه می‌کردند، انبوه این نامه‌ها که نشانه اعتراض به عملکرد دولت در این زمینه است، از تقریباً همه نواحی و حوزه‌های انتخاباتی در فاصله مجلس ششم و سیزدهم به تهران می‌رسید که موجود است و می‌توان به آنها مراجعه کرد. در اکثر این نامه‌ها، افراد مورد نظر دولت، افرادی فاقد صلاحیت و انتخابات نوعی خیمه‌شب‌بازی و نمایش در راستای تحکیم دیکتاتوری توصیف شده‌اند. اگر در اثنای فعالیت مجلس، یکی از نمایندگان از دنیا می‌رفت و یا به دلایلی مورد غضب قرار می‌گرفت، رضاخان برای انتخاب جانشین او هم به همان اندازه حساسیت به خرج می‌داد، چون چند تن از نمایندگان را بدون تحقیقات کافی و صرفاً بر اساس توصیه دوستان و اقوام به مجلس راه داد که اسباب پشیمانی او را فراهم کردند.

■ **شرط انتخاب شدن، رأی مثبت به تمام لوايح دولت!**

بنابر این نمایندگان مجلس تا پایان زمامداری رضاشاه، باید بلاستثنای رأیت او را جلب می‌کردند و حتی گفته می‌شد که هریک باید مخفیانه مبلغی را به وزیر دربار می‌دادند و شرط انتخاب‌شدنشان هم رأی مثبت دادن به تمام لوايحي بود که دولت به مجلس ارائه می‌کرد. فقط به این ترتیب بود که نام آنها در فهرست نمایندگان آن دوره ثبت می‌شد و به دست نظمیه مرکز و حوزه‌ای که باید از آنجا انتخاب می‌شدند، می‌رسید و انتخاباتشان قطعی می‌شد. به گفته یکی از شاهدان عینی،

عناصر شهربانی در هنگام انتخابات، پیشاپیش اوراق پر شده رأی را آماده و توسط سردهسته‌هایی بین افراد رأی‌دهنده توزیع می‌کردند تا همان‌ها را در صندوق بریزند تا قطعاً نتیجه مورد نظر دولت تأمین شود. غالباً اهالی محل، حتی نام این نمایندگان را نشنیده بودند، چه رسد به اینکه آنها را بشناسند. بدیهیی است که نتایج انتخابات مجلس در تهران از اهمیت ویژه‌ای بر خوردار بود. به همین دلیل تیمورتاش در نحوه اعلام نتایج تهران تلاش‌های گسترده‌ای می‌کرد. به نظر او از میان ۱۲ نماینده تهران، باید شش تن را دولت و شش تن را ملت کاندیدا می‌کرد تا آبرو و اعتبار رژیم جدید یکسره بر باد نرود. از نظر او مدرس، مشیرالدوله، مستوفی‌الممالک، قتی‌زاده، مصدق و مؤتمن‌الملک شش نماینده مستوفی‌الممالک، مؤتمن‌الملک و مشیرالدوله توانستند رأی بیاورند و بعداً تهدید [کنند]، همین مسئله، آگاهان سیاسی را مطمئن کرد که نام این سه نفر از قبل در لیست تنظیمیه بوده و آنها طبق نظر دولت انتخاب شده‌اند. جالب اینجاست که مؤتمن‌الملک اصلاً خود را کاندیدای نکرده بود!

مدرس در این اعلام نتایج انتخابات خطاب به سرتیپ در گاهی، رئیس شهربانی گفت، «گیریم آن ۴ هزار نفری که در دوره قبل به من رأی داده بودند، این بار از رأی خود برگشته‌اند. بر سر رأی خودم به خودم چه آمده؟» واقعیت این است که دوره مدرس به سر آمده بود و به همین دلیل دو روز قبل از گشایش مجلس هفتم مورد غضب رضاشاه واقع شد و در روز ۱۶ خرداد ۱۳۰۷ او را برای ابد به شهرستان خواف تبعید کردند. غیر از مستوفی‌الممالک، مشیرالدوله و مؤتمن‌الملک از قبول نمایندگی خودداری کردند و تلاش برای دولت برای منصرف کردن آنها از این تصمیم فایده‌ای نداشت. ب‌کناره‌گیری این چند نفر، مجلس کاملاً یکدست شد و در کنار قوای مجریه و قضائیه، درست در اختیار رضاخان قرار گرفت. به قول یحییی دولت‌آبادی از این پس سیاست داخلی کشور صرف راضی نگاه داشتن شخص شاه می‌شد و نماینده او هم تیمورتاش، وزیر دربار بود. در عرصه سیاست خارجی هم دو هدف مشخص تعقیب می‌شدند. راضی نگه داشتن انگلیسی‌ها و نارضاضی نگه داشتن روس‌های کوشویک.

■ **مجالس هشتم تا سیزدهم، آرام و مطیع!**

انتخابات‌های دوره‌های هشتم تا سیزدهم مجلس دور از تبلیغات و کشمکش‌ها و جار و جنجال‌های سیاسی و مبارزات معمول حزبی و پارلمانی بر گزار شد و برخلاف دوره‌های قبیل، مجلس بسیار آرام بود و کاری جز تصویب لوايح دولت نداشت که این کار را به نحو احسن انجام می‌داد و به این ترتیب روز به روز جایگاه رضاشاه محکم‌تر می‌شد. هدف رضاشاه چیزی جز این نبود که اکثریت مجلس نظرات دولت و دربار را تصویب کند تا او به قول خودش بتواند کارها را پیش ببرد. حالا دیگر رضاخان کاملاً مطمئن بود که تمام نهادهای سیاسی، به‌خصوص مجلس کاملاً با هم‌راه هستند و او می‌تواند برنامه‌های مورد نظر خود را پیش ببرد. تصویب اعتبارنامه‌ها که در مجالس قبلی همیشه با بحث و اعتراض و مناظره سیاسی همراه بود، از دوره هفتم به بعد در کمال آرامش و در یکی دو جلسه تأیید می‌شدند و کوچک‌ترین مشکلی پیش نمی‌آمد و این نشان می‌داد که مجلس کاملاً آماده همکاری با رضاخان است. مجلس دیگر در مقامی نبود که بتواند در حوزه‌های مختلف سیاسی و اجرایی دخالت یا نظارت داشته باشد، و ز را را استیضاح کند و به کابینه‌ها رأی عدم اعتماد بدهد. رئیس مجلس را هم وزیر دربار تعیین می‌کرد. به همین دلیل

هم تیمورتاش، حسین دادگر (عدل‌الملک) را به ریاست مجلس انتخاب کرد تا منویات دولت به‌طور کامل اجرا و مجلس به شکل شایسته‌ای اداره شود. اعتبارنامه دادگر در مجلس چهارم رد شد اما در کابینه مشیرالدوله، کفیل وزارت تجارت و فواید عامه، در مجلس مؤسسان نایب رئیس و در کابینه فروغی وزیر داخله (کشور) شد و انتخابات دوره ششم مجلس زیرنظر او انجام گرفت. اکثر نمایندگانی که به ریاست مجلس توسط او رأی دادند، همان کسانی بودند که در مجلس چهارم اعتبارنامه او را رد کرده بودند و حالا به اقتضای سیاست روز، او را رئیس مجلس کردند!

دادگر در دوران ریاست مجلس، هزینه مهمانی‌های شخصی خود را از کارپردازی مجلس می‌پرداخت و کارمندان مجلس از این رفتارهای دادگر حکایت‌ها نقل می‌کردند. او در دوره دهم مجلس ریاست نظارت بر انتخابات را به عهده داشت و به عنوان وکیل اول تهران بیشترین رأی را آورد اما قبل از افتتاح مجلس دهم، در اردیبهشت ۱۳۱۴ به اروپا رفت و با پول‌هایی که ذخیره کرده بود، در آنجا زندگی مرفهی را برای خود ترتیب داد.

■ **فرار رضاخان و بر خاستن صدای تجدید انتخابات مجلس سیزدهم**

بدین ترتیب سنت انتخاب نمایندگان توسط شاه و دربار نه تنها در تمام دوره حکمرانی رضاشاه که حتی در مجلس سیزدهم هم که مقارن با سقوط او بود ادامه پیدا کرد، زیرا طبق قانون انتخابات، فرمان انتخابات مجلس بعدی باید پنج ماه قبل از اقتضای دوره هر مجلسی صادر و انتخابات هم سه ماه قبل از خاتمه دوره قبل در سراسر کشور شروع می‌شد تا بین تشکیل دو مجلس فاصله نیفتد. این شیوه در دوره رضاشاه کاملاً اجرا شد و او قبل از اتمام دوره دوازدهم مجلس در ۱۹ آبان ۱۳۲۰، دقیقاً در موعد مقرر یعنی ۹ تیر ۱۳۲۰، یعنی یک ماه و اندی قبل از سقوطش، زمان انتخابات دوره سسیزدهم را صادر کرد و در روز نهم شهریور انتخابات آغاز شد و طبق معمول فرمانداران نظامی و استانداران لیست نمایندگان مورد اعتماد رژیم را تهیه کردند و به تهران ارسال کردند. در نتیجه در ترکیب و کیفیت نمایندگان مجلس سیزدهم، به رغم خروج رضاشاه از کشور، نسبت به دوره‌های قبل مجلس تغییر داده نشد. سرعت سیر تحولات داخلی و بین‌المللی فرصتی برای سازماندهی مجدد به دست نداد. حتی دو، سه نفری که در دوره‌های قبل تغییر می‌کردند، در این دوره تغییر نکردند. با کمک دولت کار انتخابات قبل از اتمام دوره دوازدهم در سراسر کشور تمام شد و همه نمایندگان دوره قبل مجدداً انتخاب شدند اما با نکتست هیمنه رضاشاه و خروج او از کشور، جریان‌ات سر کوب شده و چهره‌های مستقل، به ویژه مطبوعات آزادی‌خواه، قوایان ابطال انتخابات و تجدید آن شدند. البته دولت و مجلس در برابر این خواست ملت به شدت مقاومت کردند، چون با آزاد کردن فضای انتخابات ممکن بود کشور گروه‌ها بزرگی شود که با توجه به حضور نیروهای متفقین در کشور و موقعیت حساس ایران، انقلابی روی بدهد که کنترل آن ممکن نباشد. بنابراین دولت و مجلس به استناد قوانین موجود، باین در خواست مخالفت کردند و پس از آن فروغی توانست عهدنامه اتحاد با شوروی و انگلیس را به تصویب مجلس برساند.

■ **و کلام آخر**

رضاخان به‌طور مشخص تمام امور نظامی، انتظامی و امنیتی را با علاقه و وسواس زیادی دنبال می‌کرد. تصمیمات کلان اقتصادی نیز بسته به نظر شاه بود، اما رفتار رضاشاه با مجلس رضائین موجود، باین در خواست مخالفت کردند و پس از آن فروغی توانست عهدنامه اتحاد با شوروی و انگلیس را به تصویب مجلس برساند.

جمعی از نمایندگان مجلس ششم در بازدید از یک نمایشگاه عکس